صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

انتظامی

پایان راه شرور قمه‌کش

یکی از اراذل و اوباش سابقه‌دار تهران که با استفاده از قمه موجب رعب و وحشت شهروندان شده بود، از سوی پلیس دستگیر شد. این متهم بارها با قمه‌کشی باعث سلب آرامش مردم شده بود که مأموران در یک عملیات ویژه او را دستگیر کردند. از مخفیگاه او در محله سه‌راه آذری تعداد زیادی قمه و چاقو کشف شده است.

نجات

نجات دختربچه در زلزله کاشمر

نیروهای هلال احمر در روستای زنده‌جان کاشمر موفق شدند یک کودک را از زیر آوار نجات دهند. به‌دنبال وقوع زلزله در شهرستان کاشمر در خراسان رضوی که باعث مرگ ۴نفر و مصدومیت ۱۲۰نفر شد، امدادگران هلال احمر موفق شدند دختربچه‌ای را که زیر آوار خانه‌ای روستایی مدفون شده بود، از مرگ نجات دهند.

در جریان تازه‌ترین عملیات پلیس مبارزه با مواد مخدر، ۴۷۰ کیلوگرم هروئین و شیشه از قاچاقچیان بین‌المللی کشف شد

سد پلیس ایران جلوی قاچاق مواد مخدر به انگلیس و ترکیه

گزارش

الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

اعضای ۲باند بزرگ مواد مخدر که با جاسازی ۴۷۰کیلوگرم هروئین و شیشه در ۳تریلی قصد داشتند این محموله را به کشورهای اروپایی قاچاق کنند، با هوشیاری پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت دستگیر شدند و نقشه‌شان ناکام ماند.

به گفته سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران، این ۳تریلی حدود ۶۰تن بار داشتند که قاچاقچیان محموله هروئین و شیشه را به طرز ماهرانه‌ای داخل آنها و میان بارها جاسازی کرده بودند. آنها ۱۲۰کیلوگرم مخدر شیشه را به شکل خرده‌پلاستیک درآورده و در بار پلاستیک جاسازی کرده بودند و ۳۵۰کیلوگرم هروئین را نیز در میان محموله سیمان مخصوص عایق کردن استخر پنهان کرده بودند تا به انگلیس بفرستند که پلیس نقشه آنها را ناکام گذاشت. به گفته سردار محمدیان، در این عملیات ۴قاچاقچی اصلی دستگیر و خودروهای آنها توقیف شد و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

گفت و گو

سود ۴برابری قاچاق هروئین به انگلیس

«آن ۳۵۰کیلوگرم هروئین اگر به انگلیس می‌رسید، بیش از ۷۰۰میلیارد تومان ارزش داشت.» این را یکی از متهمانی می‌گوید که قصد داشت محموله ۳۵۰کیلویی هروئین را به انگلستان قاچاق کند. او فرشید نام دارد و قرار بود این محموله را با همدستی دوستش، نادر قاچاق کند که پلیس نقشه آنها را ناکام گذاشت. گفت‌وگو با این ۲متهم را بخوانید.

این محموله فقط متعلق به شما ۲نفر بود؟

فرشید: ما ۴نفریم. من و نادر که در این طرح دستگیر شده‌ایم، سابقه‌ای نداریم؛ اما ۲همدست دیگرمان به‌صورت غیابی در دادگاه به اعدام محکوم شده بودند که آنها هم دستگیر شده‌اند. آنها عاملان اصلی این ترانزیت هستند. قبلا هم به اتهام قاچاق و فروش ۷۰۰کیلو مورفین تحت تعقیب بودند که به همین اتهام، غیابی به اعدام محکوم شده بودند.

چطور با هم آشنا شدید؟

نادر: ما بچه‌محل هستیم. می‌خواستیم زندگی لوکسی داشته باشیم. وسوسه شدیم و فکرش را نمی‌کردیم که گیر بیفتیم.

حالا این زندگی لوکسی را که می‌گویی تجربه کرده‌ای؟

ما بنز، پورشه و بی‌ام‌دبلیو سوار می‌شدیم که همه‌شان توقیف شدند. حتی پنت‌هاوس‌هایی که در قیطریه و فرمانیه داشتیم هم مصادره شدند. رسیدیم به صفر، حتی زیر صفر.

از جزئیات قاچاق مواد بگویید. محموله را کجا بار زده بودید و مقصد ترانزیت کجا بود؟

فرشید: در انبار یک کارخانه که سیمان مخصوص عایق استخر تولید می‌کند. آنجا مواد را در بسته‌های سیمان که برای عایق کردن کف استخرها به کار می‌رفت، جاسازی کرده بودند. البته خیلی ماهرانه و حرفه‌ای. بعد از اینکه بارگیری شد به سمت گمرک رفت تا اقدامات قانونی برای خروج از کشور انجام شود. قرار بود با کشتی به کشورهای اروپایی قاچاق شود.

چه کشوری؟

تا جایی که می‌دانم، کشور انگلستان.

از میزان سودی که با قاچاق این ۳۵۰کیلو هروئین به دست می‌آید خبر دارید؟

نادر: در کشورهای اروپایی که با پوند، یورو یا دلار پرداخت می‌شود، سودش دست‌کم ۴برابر است. ارزش این محموله دست‌کم ۷۰۰میلیارد می‌شد. به همین دلیل است که قاچاقچی با این کار زندگی‌اش از این رو به آن رو می‌شود. همین است که طمع می‌کند و دلش می‌خواهد ماشین زیر پایش بنز یا پورشه باشد و یا در خانه‌های آن‌چنانی بالاشهر زندگی کند. درآمدی که شاید با ۱۰۰سال کار کردن و حقوق کارمندی به دست نیاید. البته خب، کار قاچاق ریسک بالایی هم دارد و حتی مجازات سنگین اعدام هم در انتظارش است که اگر به اینجا برسد، نمی‌ارزد.

گفت و گو

قاچاقچیان معده‌ام را استخدام می‌کردند

مأموران مبارزه با موادمخدر پایتخت، در کنار کشف هروئین از قاچاقچیان بین‌المللی، موفق شدند در عملیاتی دیگر ۱۲۰کیلو شیشه را از آنها کشف کنند. این شیشه‌ها قرار بود از کشور خارج شوند، اما مأموران پلیس وارد عمل شدند و قاچاقچیان ناکام ماندند. گفت‌وگو با فردی را که در این باند فعالیت داشت، می‌خوانید.

قرار بود شیشه را به کدام کشور قاچاق کنید؟

کشور ترکیه.

چطور می‌خواستی این کار را انجام بدهی؟

شیشه را به‌صورت پلاستیک در آوردیم؛ به‌طوری که هیچ‌کسی باورش نمی‌شد تکه‌های پلاستیکی که می‌بینند شیشه‌هایی هستند برای قاچاق و قرار بود آن طرف آب با قیمتی باورنکردنی به فروش برسند.

چقدر در آن طرف آب‌ها به فروش می‌رسید؟

اینجا شیشه کیلویی ۷۰میلیون تومان است که در کشورهای اروپایی می‌شد تا مبلغ ۵۰۰میلیون تومان هر کیلو را فروخت.

چه شد که وارد این کار شدی؟

چون می‌خواستم زندگی لاکچری برای خودم بسازم. اوایل با جانم بازی می‌کردم، اما بعد با یک مرد ترکیه‌ای در زندان ترکیه آشنا شدم و سرنوشتم تغییر کرد.

چطور تغییر کرد؟ توضیح بده؟

ببینید آن روزها معده من در استخدام قاچاقچیان بود. خنده‌دار است برایتان، نه!. من مواد را می‌بلعیدم و می‌نشستم در اتوبوس و تا ترکیه از طریق مرز زمینی می‌رفتم. البته یک‌بار هم ریسک کردم و با هواپیما رفتم. در آنجا مواد را تحویل رابط می‌دادم و پول خوبی می‌گرفتم. تا اینکه در ترکیه دستگیر شدم و در زندان با یک مرد قاچاقچی آشنا شدم. او ترکیه‌ای بود و پیشنهاد داد پس از آزادی با هم کار کنیم. بعد از آزادی بیزینس جدیدم را با او شروع کردم، اما خب، عاقبت خوشی نداشت و گیر افتادم.

چه مدت در آنجا بازداشت بودی؟

خیلی نبود؛ شاید کمتر از یک هفته. رفتم آنجا و توانستم هنگام انتقال به دادسرا فرار کنم. بعد قاچاقی به ایران آمدم و منتظر تماس مرد ترکیه‌ای ماندم. او هم بالاخره آزاد شد و به من زنگ زد. دیگر برای واسطه کار نمی‌کردم و سود خوبی نصیبم می‌شد، حتی یک‌بار مواد را در معده اسب جاسازی کردم و اسب را با هواپیما به ترکیه بردم. ریسک بالایی نداشت و خوشبختانه گیر نیفتادم. هرچند باید بگویم که بارها تا مرز سکته پیش رفتم که مواد را به مرد ترکیه‌ای برسانم تا در کشورش توزیع کند.

ارزش این همه ریسک را داشت؟

شما ببینید اینجا شیشه بین خرده‌فروش‌ها کیلویی ۱۲۰میلیون تومان است و بین عمده‌فروش‌ها ۷۰میلیون تومان. در کشورهای اروپایی می‌شد ماهی ۵۰۰میلیون تومان فروخت. چون به دلار یا یورو حساب می‌شود، سودش هم چند برابر است. برای زندگی بهتر گاهی باید ریسک کرد، اما نه به این شکل که خدا می‌داند آخر و عاقبتم چه خواهد شد.

۲مرگ و ۶زندگی

گفت‌وگوی همشهری با خانواده خانم معلم و پاکبانی که اعضای بدنشان اهدا شد

دادسرا

در روزهای اخیر و با اهدای اعضای بدن ۲بیمار مرگ مغزی، ۶بیمار نیازمند فرصت زندگی دوباره یافتند. یکی از ۲بیمار مرگ مغزی، رفتگری زحمتکش و دیگری معلمی دلسوز بود که هر دوی آنها در جریان تصادف دچار مرگ مغزی شدند و هر چند پزشکان برای نجات جانشان تلاش کردند اما در نهایت جانشان را از دست دادند. در این شرایط بود که با رضایت خانواده‌هایشان اعضای بدن آنها به بیماران نیازمند اهدا شد و ۶ بیمار فرصت زندگی دوباره پیدا کردند.

گفت و گو

پاکبان زحمتکش

ساعت ۲۳:۳۰ شامگاه ۱۸خرداد، پاکبان زحمتکش کرجی در حال تمیز کردن یکی از خیابان‌ها بود که بی‌احتیاطی یک موتورسوار حادثه‌ای مرگبار آفرید. موتورسوار در تاریکی شب از پشت سر با پاکبان ۵۲ساله برخورد کرد و هردو بر زمین افتادند. در این حادثه سر پاکبان به‌شدت با زمین برخورد کرد و او از هوش رفت. موتورسوار ۱۸ساله نیز با دیدن این صحنه تصمیم به فرار گرفت.

در همین هنگام پیرزنی که در آن حوالی بود و پاکبان را می‌شناخت، به‌سوی موتورسوار رفت تا از فرارش جلوگیری کند؛ اما برخورد موتور با او باعث شد که نقش بر زمین شود. موتورسوار ۱۸ساله که ظاهرا در حالت عادی نبود، در ادامه فرارش با زنی جوان تصادف کرد و باعث مرگ او شد. او در نهایت توسط مردم دستگیر شد و این در حالی بود که پیکر پاکبان ۵۲ساله که به کما رفته بود به بیمارستان انتقال یافت و تلاش برای نجات جان او آغاز شد.

امید عیوضی، پسر کلام‌الله عیوضی پاکبان ۵۲ساله، در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: پدرم را به یکی از بیمارستان‌های محمدشهر بردیم. او تا ساعت ۴:۳۰ هوشیار بود؛ اما درد زیادی را تحمل می‌کرد و فقط می‌توانست با اشاره جواب ما را بدهد. در آنجا گفتند که باید پدرم را به بیمارستان مدنی کرج ببریم. ساعت ۵صبح پدرم را منتقل کردیم و کمی که گذشت پزشکان اعلام کردند که سطح هوشیاری پدرم پایین آمده است.

او می‌افزاید: ساعت ۷:۳۰ صبح به ما اعلام کردند که پدرم مرگ مغزی شده است. ما در عرض چند ساعت پدرمان را از دست داده بودیم. همگی شوکه شده‌بودیم و نمی‌توانستیم این موضوع را بپذیریم. با چندین پزشک دیگر مشورت کردیم و آنها را در جریان قرار دادیم؛ اما همه آنها با دیدن آزمایشات مرگ مغزی را تأیید کردند. به‌هرحال در ساعت ۶ عصر به ما اعلام کردند که مرگ مغزی قطعی است و در مورد اهدای عضو با ما صحبت کردند. بعد از اینکه ما رضایت دادیم، پدرم را به بیمارستان سینا بردند تا مراحل اهدای عضو طی شود.

عیوضی ادامه می‌دهد: ما نیز برای اینکه اهدای اعضای بدن پدرم جان چند نفر دیگر را نجات خواهد داد، پذیرفتیم. به واسطه پدرم ۳نفر جان دوباره گرفتند و کلیه‌ها و کبدش را اهدا کردیم.

گفت و گو

معلم زنجانی

ساعت ۹:۳۰ دوشنبه گذشته، وقتی مریم نجف‌لو، معلم ۴۳ساله زنجانی، دختر ۶ساله‌اش آرمیتا را در خیابان زیباشهر زنجان به پیش‌دبستانی می‌برد، در بین راه ناگهان یک پراید سیاه‌رنگ که سرعت بالایی داشت به سمت آنها منحرف شد. مادر برای اینکه جان فرزند خود را نجات دهد، او را به‌سوی دیگری هل داد اما خودش با خودرو برخورد کرد. شاهدان، ماجرا را به اورژانس گزارش کردند و خانم معلم که به‌شدت آسیب دیده بود به بیمارستان منتقل شد. هرچند دخترش آسیب جدی ندیده بود، اما خانم معلم به‌دلیل ضربه‌ای که به سرش وارد شده بود، به کما رفته بود.

صابر میرزایی، همسر خانم معلم در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: وقتی از ماجرا باخبر شدم، سراسیمه خودم را به بیمارستان رساندم. دخترم را در راهروی بیمارستان در حالی دیدم که گریه می‌کرد. از او پرسیدم که «مامان کجاست؟» دخترم گفت او تصادف کرده است. از پرستاران سراغ همسرم را گرفتم و متوجه شدم که همسرم را به اتاق سی‌پی‌آر برده‌اند. میرزایی ادامه می‌دهد: همسرم را به آی سی یو بردند و من و دخترم به خانه رفتیم. دخترم از این تصادف بسیار شوکه شده بود و مدام گریه می‌کرد. نیمه‌های شب بود که با من تماس گرفتند و گفتند که خونریزی همسرم شدید شده است. خودم را به بیمارستان رساندم و ساعت ۱۰صبح اعلام کردند که او مرگ مغزی شده است. با این حال او را به بیمارستان سینا در تهران منتقل کردیم و درنهایت مرگ مغزی او تأیید شد.

وقتی معلوم شد که خانم معلم ۴۳ساله دچار مرگ مغزی شده، به خانواده‌اش اعلام شد که می‌توانند برخی از اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنند.

همسرش می‌گوید: من و خانواده همسرم با توجه به اینکه می‌دانستیم او قبلا برای اهدای عضو ثبت‌نام کرده است، قبول کردیم که اعضای بدنش را اهدا کنیم. به این ترتیب روز چهارشنبه عمل انجام شد و کبد و کلیه‌هایش به ۳نفر جان دوباره دادند. میرزایی ادامه می‌دهد: غم از دست‌دادن همسرم برای من و فرزندانم و همچنین خانواده همسرم بسیار سخت است. همسرم معلم مدرسه بود و حالا مطمئن هستیم که روحش در آرامش است.

حادثه

گاز گرفتگی عجیب قاچاقچی شیشه

۲قاچاقچی که در یک منزل مسکونی در حال تولید شیشه بودند، به محض دیدن مأموران قصد از بین بردن موادمخدر را داشتند که دچار گازگرفتگی شدند.

به گزارش همشهری، چند روز پیش، خبری در برخی از رسانه‌های معاند منتشر شد که از مرگ یک قاچاقچی در بازداشتگاه پلیس حکایت داشت. در این خبر آمده بود که فردی به نام محمد پس از دستگیری از سوی مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر، در بازداشتگاه به کام مرگ رفته و این در حالی است که روی بدن آثار شکنجه وجود داشته است.

این خبر در حالی منتشر شده که بررسی‌ها از این حکایت داشت که مرد قاچاقچی نه بر اثر شکنجه که بر اثر گازگرفتگی هنگام تولید مخدر شیشه به کام مرگ رفته است.

واقعیت ماجرا از این قرار است که چند روز قبل، مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر زاهدان که از مدتی پیش یک تولیدکننده و قاچاقچی شیشه به نام محمد را زیرنظر داشتند، متوجه شدند که وی در خانه‌ای مسکونی سرگرم تولید مواد است. به همین دلیل در یک عملیات ضربتی وارد این خانه شدند اما مرد قاچاقچی و همدستش با دیدن پلیس، قصد از بین بردن مواد تهیه شده را داشتند که در این میان محمد بر اثر استنشاق گاز سمی مواد شیمیایی جانش را از دست داد.

همدست محمد درباره روز حادثه می‌گوید: آن روز محمد به من زنگ زد و گفت که نزد من می‌آید و داخل کوچه است. وقتی وارد کوچه شد، ماشینش را پارک کرد و یک کیسه مواد شیمیایی و یک پلاستیک که داخل آن مخدر شیشه بود را از داخل ماشین بیرون آورد و وارد خانه شد. بعد به من گفت اجاق را بیاور. من هم اجاق آوردم و خودش دیگ را پر از آب کرد و روی اجاق گذاشت. همزمان پلاستیک شیشه را هم داخل دیگ خالی کرد و کمی بعد همه شیشه‌ها در آب حل شد. بعد کیسه مواد شیمیایی را داخل یک سطل خالی کرد و متوجه شدم که این مواد مثل آب جوش قل می‌زند. در آن لحظه محمد ماسک داشت و به من گفت، چون گاز این مواد خطرناک است، دورتر بایستم. او داخل آشپزخانه بود و من نزدیک در نشسته بودم و نگاه می‌کردم.

متهم ادامه داد: محمد مقداری بنزین هم داخل سطل مواد شیمیایی ریخت تا گازش بیشتر شود. او داخل آشپزخانه کارش را می‌کرد که مامورها آمدند. محمد دستپاچه شد. دیگ و سطل مواد را برداشت که داخل سینک آشپزخانه خالی کند. آنقدر دستپاچه شده بود که مقداری از مواد را روی خودش ریخت. وقتی محمد سطل و دیگ را خالی کرد، خانه پر از گاز شد. طوری که من هم که جلوی در بودم به سختی می‌توانستم نفس بکشم. مامورها که آمدند، هر دوی ما را دستگیر کردند و به داخل ماشین پلیس بردند. به‌خاطر اینکه مقداری از مواد روی محمد ریخته بود، مامورها کولر ماشین را روشن کردند و به سمت اداره پلیس رفتند. در بین راه نه‌تنها من و محمد، بلکه مامورها هم سرفه می‌کردند و وقتی رسیدیم، هم من و هم محمد، حال‌مان بد شد. هر دوی ما به‌خاطر گاز سمی بدحال شدیم و مامورها اورژانس را خبر کردند و ما به بیمارستان منتقل شدیم اما محمد به‌خاطر اینکه گاز بیشتری تنفس کرده بود، جانش را از دست داد.

با مرگ عجیب قاچاقچی شیشه، همدست او در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

جنایی

مرگ جوان مرموز با شلیک پلیس

عملیات تعقیب و گریز پلیس برای دستگیری دو جوان موتورسوار که مظنون به سرقت بودند با مرگ یکی از مظنونان پایان یافت.

به گزارش همشهری، شامگاه سه‌شنبه بیست‌ونهم‌خرداد، مأموران گشت یکی از کلانتری‌های پایتخت در حال گشت‌زنی در شمال پایتخت بودند که به ۲سرنشین یک دستگاه موتورسیکلت مشکوک شدند. این دو جوان رفتار مرموزی داشتند و به‌نظر می‌رسید قصد شناسایی سوژه برای سرقت را دارند. از سوی دیگر شماره پلاک موتور مخدوش بود و همین موضوع شک مأموران را بیشتر برانگیخت. در این شرایط بود که مأموران برای دستگیری دو جوان موتورسوار وارد عمل شدند اما آنها به محض دیدن پلیس، تصمیم به فرار گرفتند و تعقیب و گریز آنها آغاز شد. دو جوان موتورسوار با حرکات مارپیچ و خطرناک سعی داشتند از دست پلیس فرار کنند و مأموران نیز بارها به آنها اخطار دادند و حتی چند تیر هوایی شلیک کردند اما مظنونان تسلیم نشدند. عملیات تعقیب‌وگریز ادامه داشت تا اینکه مأموران به موتورسواران نزدیک شدند. فاصله زیادی میان موتور پلیس و مظنونان نبود و حتی مأموران باردیگر اقدام به تیراندازی هوایی کردند که در همین هنگام ترک‌نشین موتور از روی موتور قصد داشت با مأموران درگیر شود و اسلحه او را بگیرد. ناگهان تیری از اسلحه شلیک شد و به پهلوی ترک نشین اصابت کرد. گلوله از پهلوی ترک‌نشین خارج شده و راکب را نیز زخمی کرد. در این حادثه ترک‌نشین موتور جانش را از دست داد و راکب که زخمی شده بود به بیمارستان انتقال یافت. در این شرایط گزارش این حادثه مرگبار به قاضی موسی رضازاده، بازپرس جنایی اعلام شد و او دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی و انجام تحقیقات بیشتر در این پرونده را صادر کرد.

داخلی

صفر تا صد جرائم و تخلفات انتخاباتی

همزمان با نزدیک شدن به انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری، علی القاصی مهر، رئیس کل دادگستری تهران از تعیین شعب ویژه برای رسیدگی به جرائم انتخاباتی خبر داد و از کاندیداها و همچنین حامیان آنها خواسته است جوانب احتیاط را به گونه‌ای در رفتار و گفتار خود رعایت کنند که با طرح مسائل غیرمرتبط، اتهام‌زنی و تخریب دیگران، زمینه سوءاستفاده بدخواهان و دشمنان فراهم نشود. اما این جرائم چیست و شامل چه عناوینی می‌شود؟ ایوب میلکی، استاد دانشگاه و وکیل دادگستری، اتفاقات خلاف قانون در ایام انتخابات را به جرائم و تخلفات دسته‌بندی کرده و درباره آنها توضیح می‌دهد.

جرائم

انتشار اخبار جعلی
مجازات: حبس از ۹۱روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۵میلیون تا ۲۰میلیون ریال

توهین و افترا
مجازات: جزای نقدی درجه۶ از ۶میلیون تا ۲۴میلیون تومان (توهین به افراد عادی)است. ۳ تا ۶ماه حبس، تا ۷۴ضربه شلاق یا جزای نقدی(توهین به مقامات).

هتک حرمت
مجازات: جریمه نقدی درجه۶

انتشار مطالب یا تصاویر خصوصی افراد بدون رضایت آنان به‌منظور خدشه‌دار کردن آبروی‌شان
مجازات: حبس از ۹۱روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۵میلیون تا ۲۰میلیون ریال

نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و گمراه‌کردن مردم
مجازات: حبس از ۲ماه تا ۲سال یا ۷۴ضربه شلاق

تخلفات

اخلال یا اختلال و بی‌نظمی در نشست‌ها و اجتماعات انتخاباتی

دخالت در امر انتخابات با اتخاذ سمت مجعول یا به هر نحو غیرقانونی

تبلیغ علنی یا غیرعلنی استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مدیران اجرایی به نفع کاندیدای خاص

فعالیت و مداخله اعضای شورای شهر و روستا به نفع کاندیدای خاص

خرید و فروش رأی

واگذاری اماکن دولتی و عمومی به برخی از نامزدها برای برگزاری نشست‌های تبلیغاتی

مداخله دهیاران در امر تبلیغات انتخابات به نفع کاندیدای خاص

بازداشت ۴ نفر در آتش‌سوزی مرگبار بیمارستان قائم‌رشت

به‌دنبال آتش‌سوزی هولناک بیمارستان قائم رشت که جان ۸ بیمار را گرفت، رئیس کل دادگستری گیلان از بازداشت ۴ نفر در این پرونده خبر داد.

به گزارش همشهری، بامداد سه‌شنبه، آتش‌سوزی هولناکی در طبقه منفی یک بیمارستان قائم رشت رخ داد که باعث مرگ ۸ بیمار شد؛ همه این بیماران در آی‌سی‌یو واقع در طبقه منفی یک بستری بودند و بر اثر استنشاق دود جانشان را از دست دادند. یک روز بعد و با انجام بررسی‌های اولیه، رئیس کل دادگستری گیلان از بازداشت ۴نفر در رابطه با این حادثه خبر داد و گفت: با توجه به گزارش آتش‌نشانی احتمال افزایش تعداد بازداشتی‌ها وجود دارد.

به‌گفته حجت‌الاسلام اسماعیل صادقی نیارکی، علت حادثه از سوی سازمان آتش‌نشانی در دست بررسی است؛ ضمن آنکه با توجه به فوت تعدادی از بیماران، پزشکی قانونی استان در حال بررسی علت دقیق فوت آنان است.

وی همچنین از تعیین قاضی ویژه برای بررسی این حادثه خبر داد و گفت: پیگیری موضوع با جدیت در دست انجام است.

این تنها اتفاقی نیست که روز گذشته در پرونده آتش‌سوزی بیمارستان رشت رخ داده است. شامگاه سه‌شنبه گذشته نماینده ویژه سرپرست ریاست‌جمهوری برای بررسی حادثه راهی رشت شد و اعلام کرد که براساس گزارش دستگاه‌های مربوطه قصور مدیریت بیمارستان در این حادثه مشهود است. به این ترتیب، مدیر بیمارستان عزل و بیمارستان نیز تعطیل شد تا آنطور که نماینده ویژه سرپرست ریاست‌جمهوری می‌گوید: «امیدواریم با این اقدامات، بازسازی و فعالیت دوباره بیمارستان قائم(عج) رشت با مدیر جدید و مورد تأیید دانشگاه علوم پزشکی به سرعت از سر گرفته و این مرکز درمانی فعال شود.»